فصل‌نامه علمی ـ پژوهشی پژوهش‌نامه‌ی تاریخ اسلام
سـال اول، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۰
صفحات ۱۵۳ – ۱۸۴

شیعه بنیادگذار دانش صحابه‌نگاری[۱]

محمدرضا هدایتپناه[۲]

چکیده

مسلمانان در سده نخست هجری به دلایل گوناگونی، به سیره نبوی توجه کردند و دانش سیره‌نگاری را بنیاد گذاردند، اما بر اثر ارتباط صحابه با پیامبر(ص)، توجه به این طبقه بسی مهم شد و به فهرست‌نویسی درباره صحابه انجامید و زمینه‌ای برای پیدایی دانشی مستقل به نام «صحابه‌نگاری» فراهم آمد. شیعه در پیدایی و دگرگونی این دانش،بسیار تأثیر گذارد؛ چنان‌که بر پایه منابع کهن تاریخی می‌توان شیعه را بنیادگذار آن برشمرد. طبق بررسی‌های به عمل آمده می‌توان پذیرفت، نوشته‌های صحابه‌نگاران شیعی در صحابه‌نگاری‌های پسین اهل‌سنت نیز تأثیرگذار بوده است.

کلیدواژگان

شیعه، دانش صحابه‌نگاری، صحابه‌نگاران شیعه، صحابه‌نگاران اهل‌سنت.

---

۱. تاریخ دریافت: ۸۹/۱۱/۱۸. تاریخ پذیرش: ۹۰/۲/۲۶

۲. عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (hedayatp@rihu.ac.ir)

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.4.7.1]

مقدمه

صحابه رسول الله(ص) در سده نخست هجری به‌ویژه از قرن دوم به بعد، بر اثر رویدادهای سیاسی، اجتماعی و فکری که در جامعه اسلامی رخ داد، از جایگاهی برتر نزد مسلمانان برخوردار شدند و توجه به آنان فزونی گرفت. این جایگاه و توجه به آن، در عرصه دانش و علوم، به پیدایی رشته‌ای به نام «صحابه‌نگاری» انجامید که به مسائل مربوط به صحابه می‌پرداخت. فرآیند پیدایی و دگرگونی این دانش در بیش از ده قرن میان مسلمانان، موضوعی بسیار گسترده است که در جای دیگری باید به گستردگی درباره‌اش سخن گفت. روشن است که آغاز و انجام هر دانشی با توجه به فراز و فرودهای ویژهٔ خودش، با یک‌دیگر بسیار متفاوتند. تأثیر شیعه در این پیدایی و گسترش این بخش از دانش‌های اسلامی، به عمد یا سهو نادیده گرفته شده است، اما بر پایه منابع تاریخی، شیعیان، نخستین گروه از مسلمانان بودند که بدین دانش پرداختند.

کتاب‌هایی را که شیعیان در این‌باره نوشتند، با صحابه‌نگاری‌های سده پنجم شاید نتوان سنجید؛ زیرا فروعی در هر علمی پدید می‌آیند که در بالندگی آن از دید ساختاری و محتوایی تأثیر می‌گذارند، اما تنها ناآشنایان با دانش و تمدن بشری، نقطه آغازین دانش را با نقطه پایانی‌اش یک‌سان می‌خواهند و می‌پندارند. بر پایه سنجش آغاز و انجام صحابه‌نگاری که در جای دیگری سامان گرفته است، نوشته‌های شیعیان در سده اول و دوم با برخی از نوشته‌های صحابه‌نگاران اهل‌سنت در سده‌های سوم و چهارم برابری می‌کند. برای نمونه، کتاب هشام کلبی با *التاریخ الکبیر* بخاری از دید ساختار و محتوا متفاوت نیست و حتی از دید عرضه اطلاعات تاریخی، بر آن می‌چربد.

در این پژوهش مقصود از شیعیان، گروه خاصی از شیعه نیست، بلکه شیعه در این بحث در معنای عامش(همه گروه‌های آن)به کار می‌رود. بنابراین، تشیع امامی که به آغاز شدن امامت با انتصاب امامت علی (ع) پس از پیامبر(ص) و ماندگاری این منصب در فرزندان آن حضرت باور دارد، در این چارچوب جای می‌گیرد. از این‌رو، زیدیه، جعفریه، فطحیه، اسماعیلیه، واقفیه و اثناعشریه نمونه‌های فرَق تشیعند. البته با نگاهی تاریخی به جامعه مسلمانان، دو گروه دیگر نزدیک به شیعه می‌توان یافت: ۱. تشیع

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.4.7.1]

سیاسی که به‌رغم عثمانیه تنها عثمان را نمی‌پذیرفتند، بلکه افـزون بـر خلافـت مشـروع ابوبکر و عمر، به خلافت علی(ع) و دوستی با آن حضرت پای‌بند بودنـد؛ ۲. اهل‌سـنتِ محب[۱] اهل‌بیت(ع).

زمینه‌های پیدایی دانش صحابه‌نگاری

با توجه به بستر تاریخی و اجتماعی سیره‌نگاری، این دانش بر اثر پیوند نـزدیکش بـا صحابه رسول الله(ص) در کنار خود دانشی پدید آورد که نخست بخشی از سیره‌نگاری به شمار می‌رفت، اما بعدها خود به دانشی مستقل و پردامنه بدل شد. چنـین پیونـدی از این سرچشمه می‌گرفت که خاستگاه دانش سیره نبوی، مدینه (پایگـاه حکومـت نبـوی) بود. رویدادهای صدر تاریخ اسلام در مدینه رخ داد و بسیاری از مسـلمانان در آن گـرد آمده بودند. از این‌رو، بعدها بسیاری از مردم این شهر، می‌خواستند بدانند نیاکانشـان در رویدادهای روزگار رسالت چه نقشی داشته‌اند. برای نمونه، از مهاجران به حبشـه یـا از شرکت‌کنندگان در جنگ‌های بدر و احد و... بوده‌اند یا نه. این موضوع برای آنان از دید اجتماعی و منظرهای دیگر بسی مهم می‌نمود. این موضوع را به موضوع سادات می‌توان تشبیه کرد که برخی از افراد به‌انگیزه‌های گوناگون خواستار انتساب خود به آنان بودنـد. بـرای نمونـه، مـردم مدینـه از شـرحبیل بن‌سـعد (م۱۲۳) کـه بـه اخبـار سـیره آگـاهی داشت،درباره حضور پدرانشان در غزوات می‌پرسیدند، اما او به کسانی که پولی بـه وی نمی‌دادند، به‌درستی پاسخ نمی‌داد (ر.ک: ابن‌عـدی، ۱۴۰۹، ج۴، ص ۴۱؛ عقیلـی، ۱۴۱۸، ج۲، ص ۱۸۸).

چنین کسی می‌توانست با گرفتن پول، کسانی را که از صحابی به شمار نمی‌رفتند یـا در غزوات شرکت نکرده بودند، در شمار آنان بگنجاند یا چنانچه پولی بـه او پرداخـت نمی‌شد، بهدروغ نام کسانی را از فهرست شرکت‌کنندگان در غـزوات پیامبر(ص)حـذف کند. از همین روی، علمای مدینه به او بدگمان شـدند و مغـازی او از اعتبـار افتـاد و از موسی بن‌عقبـه (م ۱۴۱) ازکارشناسـان ایـن فـن، خواسـته شـد کـه فهرسـت اصـحاب شرکت‌کننده را در این غزوات سامان دهد (ذهبی، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۱۱۶).

۱. برای آگاهی از معنای واژگانی و اصطلاحی تشیع و گروه‌های آن، ر.ک: هدایت پناه، ۱۳۸۹، ص ۱۹ – ۳۰؛ گروه تاریخ (گروه نویسندگان)، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۵ – ۷.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.4.7.1]

تدوین سیره با چنین رویکردهایی، به پیدایی مجموعه‌هایی به نام "تسمیه"انجامید که بعدها خود به شاخه‌ای مستقل و درازدامن بـه نـام "صـحابه‌نگاری"بـدل شـد. بـر پایـه پژوهش‌های سامان گرفته در این‌باره[1] و گزارش‌هـای تـاریخی، صـحابه‌نگاری در سـده اول،با فهرست‌نویسی آغاز شد و از سده دوم به‌ویژه از اوائل قرن سوم، با نام تسـمیهٔ یـا اسـماء بارهـا در منـابع گونـاگون آمـد. بخش‌هـای گونـاگونی از *الـطبقـات الـکـبـری*،نوشته ابن‌سعد نمونه‌ای در این زمینه است که فهرست‌های گوناگونی را بـا نام تسمیه عرضه می‌کند. مانند «تـسمیـة من نـزل مـکـة مـن اصـحاب رسـول الله»، «تـسمیـة من نزل الطائف من اصحاب رسـول الله»، «تـسمیـة مـن نـزل الـیمن مـن اصحاب رسول الله»، «تـسمیـة مـن نـزل الـیـمـامـة مـن اصـحاب رسـول الله»، «تـسمیـة من نزل البحرین من اصحاب رسول الله»، «تـسمیـة من نزل الـکـوفـة من اصحاب رسول الله»، «تـسمیـة من نـزل الـبـصـرة مـن اصـحاب رسـول الله»، «تـسمیـة من نزل الشام من اصـحاب رسـول الله»، «تـسـمیـة مـن نـزل مصـر مـن اصحاب رسول الله».

خلیفه بن‌خیاط (م ۲۴۰) در *الـطبقـات* و ابن ابی‌خیثمه احمد بن‌زهیـر بن‌حـرب (م ۲۷۹) نیز در بخش‌هایی از کتاب تـاریخش بـه نـام *الـتـا ریـخ الـکـبـیـر* معروف بـه *تـا ریـخ ابـن ابـی‌خـیـثـمـة*، فصـل‌هایی بـا عنـوان تسـمیه دربـاره اصحاب رسول خدا(ص) آورده و بر پایه شیوه ابن‌سعد؛ یعنی دسـته‌بندی جغرافیـایی از آنان نام برده است. مانند «تـسمیـة من کان بـالـمـدیـنـة بعد رسول الله (ص) مـن اصحابه»، «تـسمیـة من نزل بـالـکـوفـة من اصحاب النبی»، «تـسـمیـة مـن نـزل مـکـة من اصحاب رسول الله».

افزون بر چنین فهرست‌هایی، نوشـته‌های مسـتقلی بـا همـین نـام هسـت کـه آقـای محمدرضا جلالی در *الـتـسمیـات* آنها را گرد آورده است. مانند «تسـمیه مـن شـهد مع علی حروبه»، عبیدالله بن ابی‌رافع؛ «تسمیه من قتل مع الحسین»، فضل بن‌زبیـر رسـان اسدی کوفیاز اصحاب امـام بـاقر و صـادق (ع)؛ «تسـمیه ازواج النبـی و اولاده»، معمـر بن‌مثنی (م ۲۰۹) (حسینی جلالی، ۱۴۰۹، ص ۵۰ ـ ۶۷).

۱. ر.ک: حسینی‌جلالی، محمدرضا (۱۴۰۹)، «التسمیات طلیعه المؤلفات فی الحضارة الاسلامیه»، ***تـراثـنـا***، ش ۱۵، سال چهارم.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.4.7.1]

بنابراین، نخستین دوره صحابه‌نگاری، به فهرست‌نویسی صحابه گذشت و از همین روی، سوگیری نام کتاب‌هایی که پس از این به همت صحابه‌نگاران با نام «معجم الصحابه» پدید آمد، به‌خوبی روشن می‌شود. شماری از آنها چنینند:

معجم *الصحابة* ابویعلی موصلی(م ۳۰۷) (خلیفه، بی‌تا، ج۲، ص ۱۷۳۶)؛

معجم *الصحابة* بَغَوی(م ۳۱۷) (پاشا، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۴۴)؛

معجم *الصحابة* ابن لال ابوبکر احمد بن‌علی بن‌احمد همدانی شافعی(۳۰۸-۳۹۸) (خلیفه، بی‌تا، ج۲، ص ۱۷۳۶)؛

معجم *الصحابة* اسماعیلی اسماعیلی ابوبکر احمد بن‌ابراهیم جرجانی(۲۷۷ - ۳۷۱)(خلیفه، بی‌تا، ج۲، ص ۱۷۳۵)؛

معجم *الصحابه* عبدالباقی بن‌قانع(م ۳۵۱)؛

معجم *الصحابه* ابن‌منده ابوعبدالله محمد بن‌اسحاق بن‌یحیی بن‌منده اصبهانی (م ۳۹۵)؛

معجم *الصحابة* حسین القرشی حسین بن‌عبدالله (زنده در سال ۴۰۰) (شیبانی، ۱۴۱۴، ص ۲۱۸).

بحث جایگاه صحابه را در اندیشه تاریخی ـ کلامی شیعه در جای دیگری باید دنبال کرد.

نخستین صحابه‌نگار از منظر شیعه و اهل‌سنت

شاید گمان رود که شیعه با رویکرد انتقادی به عملکرد تاریخی برخی از صحابه (برجسته و بانفوذ) و به دلایل دیگر، در این دانش دست نداشته است تا چه رسد به داشتن سهمی در پیشبرد آن. گسترش این دانش نزد اهل‌سنت، چنین پنداری را نهادینه می‌کند این دانش از آنِ اهل‌سنت و به اصطلاح، شعار و ویژگی آنان است.

این دعوی تا اندازه‌ای درست است و تاریخچه پیدایی و دگرگونی دانش صحابه‌نگاری این سخن را تأیید می‌کند که جایگاه درخوری نزد علمای شیعه نداشته است، اما به‌رغم این پنداشت که صحابه‌نگاری نزد اهل‌سنت بنیاد گذارده شد و به‌رغم پنداشت ابن‌حجر که می‌گفت بخاری(م ۲۴۶) نخستین صحابه‌نگار بود (ابن‌حجر،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.4.7.1]

۱۴۱۵، ج ۱، ص ۷۵)، به گواهی تاریخ و بر اثر سیاست منع تدوین حدیث میان اهل‌سنت[۱]، شیعه و شاگردان مکتب اهل‌بیت(ع) را نخستین مؤلفان و بنیادگذران در زمینه دانش تاریخ در قالب صحابه‌نگاری باید به شمار آورد. منابع فهرست‌نویسی و کهن نیز این دعوی را ثابت می‌کنند. افزون بر این، دست‌کم پنج تن از شیعیان و اهل‌سنت پیش از بخاری، به صحابه‌نگاری پرداختند.

از دید تاریخی،کهن‌ترین متن در زمینه صحابه‌نگاری نوشتهٔ عبیدالله بن ابی‌رافع با نام «تسمیة من شهد مع امیرالمؤمنین الجمل و صفین و النهروان من الصحابة» است . پس از او می‌توان از هشام بن‌محمد کلبی(م ۲۰۵) نام برد. واقدی (م ۲۰۷) در میان اهل‌سنت پیش‌گام چنین تألیفاتی است. اگرچه امروزه *الطبقات* او در دست نیست، اما کاتب و شاگرد او ابن‌سعد با نوشتن *الطبقات الکبری* مطالب بسیاری را از طبقات واقدی حفظ کرد و ساختار اصلی آن را عرضه کرد؛ چنان‌که شائبه انتساب حقیقی این کتاب به واقدی در میان نیست. صحابه‌نگاران زیر و تألیفات آنان در مرحله‌های بعدی تا پیش از بخاری پدید آمدند که این خود مدعای ابن‌حجر را ناپذیرفتنی می‌نماید:

تسمیه من نزل الکوفه من الصحابه، ابونعیم فضل بن دکین (م ۲۱۹) (ابن عساکر، ج۱۶، ص ۳۷۱)؛

الطبقات الکبری، محمد بن‌سعد (م ۲۳۱)؛

معرفه من نزل من الصحابه سائر البلدان، ابوالحسن مدائنی علی بن‌عبدالله(م ۲۳۴) (شیبانی، ۱۴۱۴، ص ۲۲۰)؛

الصحابه عثمانی، محمد بن‌عثمان اموی مدنی (م ۲۴۱) (ابن‌حجر، ۱۴۱۵، ج ۴، ص۳۱۸ و ج۶، ص ۵۴۱ و ج ۷، ص ۲۲؛ شاکر محمود عبدالمنعم، ۱۴۱۷، ج ۲، ص۱۳۴)؛

الصحابه حلوانی، حسن بن‌علی (م ۲۴۲) (همان، ۱۴۱۷، ج ۲، ص۱۳۶)؛

الصحابه دحیم، عبدالرحمن بن‌ابراهیم (م ۲۴۵)؛

معرفه الصحابه، عباد بن‌یعقوب رواجنی (م ۲۵۰) (تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۲۱، ص ۲۴۴؛

۱. اهل‌بیت و اصحاب آنان از آغاز این سیاست را نمی‌پذیرفتند.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.4.7.1]

سید بن‌طاووس، ۱۴۱۳، ص ۱۰۴).

صحابه‌نگاران شیعه و تأثیر کتاب‌های آنان در صحابه‌نگاری‌های اهل‌سنت

فهرست زیر صحابه‌نگاران شیعی و نوشته‌های آنان را در این زمینه در بردارد که بر تأثیر و جایگاه آنان در دانش صحابه‌نگاری دلالت می‌کند؛ زیرا کتابی با نام‌های «فضایل الصحابه»، «معرفة الصحابة»، «معجم الصحابة»، «اسماء الصحابة» و «تاریخ الصحابه» و...، در آثار صحابه‌نگاران اهل‌سنت کم‌تر دیده می‌شود:

۱. تسمیه من شهد مع امیرالمؤمنین(ع) الجمل و صفین و النهروان من الصحابه

نوشته عبیدالله بن ابی‌رافع مولی رسول الله (ص) (م حدود ۸۰). آل ابورافع از نخستین خاندان شیعی‌مذهب بودند که بیش‌ترشان از فقها و نویسندگان مسلمان به شمار می‌رفتند. ابورافع ۶۸ حدیث از پیامبر(ص) نقل کرده (ابن‌حزم، ۱۴۱۲، ص ۷۰)؛ چنان‌که ذهبی او را دانشمند و فاضل خوانده (ذهبی، ۱۴۱۰، ج۲، ص ۱۶) و نجاشی نیز او را از نخستین نویسندگان و دانشمندان شیعه برشمرده که در فقه کتابی به نام *السنن و الاحکام و القضایا* داشته است (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۶).

ابورافع چند فرزند به نام عبیدالله، علی، عبدالله، رافع، حسن و زینب داشت که همه از او روایت کرده(ابن‌حجر، ۱۴۱۵، ج۷، ص ۱۱۳) و از شیعیان و دوست‌داران اهل‌بیت بوده و نجاشی در *رجال* و شیخ طوسی در *فهرست* و *رجال* خود به نام‌ها و شخصیت علمی آنان اشاره کرده‌اند. عبیدالله بزرگ‌ترین فرزند او در اواخر عمر شریف پیامبر(ص) در مدینه زاده و همانند پدر و مادر گرامی‌اش، با عشق به اهل‌بیت تربیت شد و از علی(ع) دانش فراوان آموخت و از او بسیار روایت کرد و در زمینه فقه، در شمار نخستین مؤلفان شیعی جای گرفت (ابن شهرآشوب، ۱۳۸۰ق، ص ۳۸) و کتاب *قضایا امیرالمؤمنین* را نوشت (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۱۷۴-۱۴۵). او هنر خط را آموخت و در زمان خلافت علی(ع) افزون بر مسئولیتش در بیت‌المال، کاتب آن حضرت بود (ابن‌اثیر، ۱۴۱۵، ج۱، ص ۲۱۵) و همه نامه‌های آن حضرت را می‌نوشت[1].

۱. نام عبیدالله با عنوان کاتب یا شاهد در فهرست توقیعاتی که در پایان بسیاری از سندهای رسمی سامان گرفته ←

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.4.7.1]

وی از این راه به بسیاری از مسائل سیاسی مهم و اندیشه‌های علی(ع) آگاه می‌شد. هم‌چنین در جنگ‌های آن حضرت شرکت می‌کرد(منقری، ۱۴۰۴، ص ۴۷۱؛ مفید، ۱۴۱۳، ص۳۹۵؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج۱۰، ص ۳۰۴؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸ق، ج۹، ص ۳۱۳)و کتابی به نام *تسمیة من شهد مع امیرالمؤمنین الجمل و صفین و النهروان من الصحابة* نوشت (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۱۷۵). وی پس از امیرمؤمنان(ع) در خدمت امام حسن (ع) و کاتب او بود و پس از صلح و بازگشت آن حضرت به مدینه، او نیز به مدینه بازگشت و گویی تا پایان زندگی‌اش در همان‌جا به سر برد(مدرسی، ۱۳۸۳، ص ۴۷). ابراهیم، عبدالله، محمد، عون و معمر که نامش گاهی به معتمر تصحیف شده است، فرزندان عبیدالله و حسن بن‌محمد بن‌حنفیه و امام سجاد(ع) از روایت‌کنندگان اویند (ابن حجر، ۱۴۰۴، ج ۷، ص ۱۰).

طوسی از کتاب او با نام تسمیه من شهد مع امیرالمؤمنین علی (ع) الجمل و صفین و نهروان من الصحابه رضی الله عنهم(طوسی، ۱۴۱۷، ص ۱۷۵) و طبرانی تسمیه من شهد مع علی من اصحاب رسول الله (ص) (طبرانی، ۱۴۰۵، ج۴، ص ۱۴، ۱۹۷، ۱۹۹) و ابن‌عساکر تسمیه من شهد مع امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب من قریش و الانصار و من مهاجری العرب(ابن‌عساکر، ۱۴۱۵، ج۴۵، ص ۵۰۲) یاد کرده و ابن‌اثیر این عنوان‌ها را برایش برشمرده است:

کتاب عبیدالله بن ابی رافع فی تسمیه من شهد مع علی (ابن‌اثیر، ۱۴۱۵، ج۱، ص ۳۲۸)؛

سیر عبیدالله بن ابی رافع فی تسمیه من شهد صفین مع علی بن ابی‌طالب من الصحابه (همان، ۱۴۱۵، ج۱، ص ۳۲۲)؛

تسمیه من شهد مع علی حروبه (همان، ۱۴۱۵، ج۱، ص۵۷۰)؛

تسمیه من شهد مع علی رضی الله عنه من اصحاب رسول الله (ص) (همان، ۱۴۱۵، ج۱، ص ۵۴۵)؛

در دوران امیرالمؤمنین(ع) و امام حسن مجتبی(ع)آمده است. ر.ک:مدرسی، حسین، ۱۳۸۳، ص ۴۸ ـ ۴۹ .

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.4.7.1]

تسمیه من شهد مع علی رضی الله عنه من صحابه النبی (ص)(ابن‌اثیر، ۱۴۱۵، ج۱، ص۵۷۰)

تسمیه من شهد مع علی رضی الله عنه صفین(همان، ۱۴۱۵، ج۱، ص۳۱۹).

گمان می‌رود هر یک از این نویسندگان به بخشی از نام این کتاب نظر کرده باشند. شاید نکته‌ای که در آغاز روایت قاضی نعمان آمده است، نزدیک‌تر به واقع و سازگارتر با دورنمایه کتاب باشد. او می‌گوید: از عبیدالله درباره مهاجران و انصار و تابعان و افاضل عربِ شرکت‌کننده در جنگ‌های امیر مؤمنان (ع) پرسیدند. بنابراین، نام *تسمیه من شهد مع علي حروبه من المهاجرین و الانصار من الصحابه و من التابعین*، درست‌ترو جامع‌تر می‌نماید(قاضی نعمان تمیمی، ۱۴۱۴ق، ج۲، ص ۱۶ و ۳۱).

نام شماری از تابعان مانند محمد بن‌حنفیه، اویس قرنی، زید بن‌صوحان، علقمه بن‌قیس و... در این کتاب آمده است. مدرسی محتمَل دانسته که بعدها بر این متن چیزهایی افزوده‌اند و شاید همین بخش تابعان از آنها باشد، بلکه ابن ابی‌رافع تنها صحابه را در کتاب آورده بوده است (مدرسی، ۱۳۸۳ش، ص ۴۹). نام ۱۷۳ تن در این اثر دیده می‌شود.

آغا بزرگ تهرانی و پس از او حسن صدر،آن را نخستین کتاب جهان اسلام برشمرده و زمان تدوینش را دوره زندگی امیر مؤمنان (ع) دانسته‌اند (آغابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۸۰). استاد حسینی جلالی با توجه به متن کتاب ابن ابی‌رافع، سخن آغابزرگ را نمی‌پذیرد و تاریخ تألیف آن را پس از شهادت امام دانسته (حسینی جلالی، تراثنا، ۱۴۰۹، ص ۱۹) و آغا بزرگ در بخش علم الرجال به تدوین آن در نیمه دوم سده اول هجری تصریح کرده است (تهرانی، ۱۴۰۳، ج۱۰، ص ۸۰).

این کتاب را باید پایه اصلی دانش صحابه‌نگاری برشمرد؛ چنان‌که نوشته‌های عروه بن‌زبیر(م۹۴) و موسی بن‌عقبه(م ۱۴۱) و ابن‌شهاب زهری(م ۱۲۳) پایه‌های اصلی تدوین سیره نبوی ـ به معنای ویژهٔ اصطلاح سیره ـ به شمار می‌روند؛ زیرا کتاب ابن ابی‌رافع از منابع مهم و بسیار تأثیرگذار در نوشته‌های صحابه‌نگاران پسین است که نام شماری از آنها چنین است:

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.4.7.1]

کتاب الصحابه مطین؛

کتاب الصحابه ابومنصور باوردی؛

المعجم الکبیرطبرانی؛

معرفه الصحابه ابونعیم اصفهانی؛

الاستیعاب ابن عبدالبر(ابن عبدالبر، ۱۴۱۵، ج۴، ص ۱۷۱۲).ابن عبدالبر در جاهای گوناگون تنها به حضور صحابه در جنگ‌های علی (ع) بدون ذکر منبعش اشاره کرده و بارها از ابن کلبی یا از صحابه‌نگارانی نام برده که منبع آنان کتاب عبیدالله بن ابی رافع بوده است؛

اسدالغابه ابن اثیر(برای نمونه، ر.ک: ابن‌اثیر،۱۴۱۵، ج۱، ص ۳۱۷، ۳۱۹، ۳۲۲، ۵۰۲، ۵۴۵، ۵۷۰، ۶۲۳ و ج۲، ص ۵۲، ۵۳)؛

الاصابه ابن‌حجر عسقلانی(برای نمونه، ر.ک: ابن‌حجر، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۱۹، ۵۲۲، ۵۶۰، ۵۶۵، ۵۶۹، و ج۲، ص ۷۴، ۱۲۰، ۱۹۸، ۲۸۹و ج۳، ص ۳۲۴، ۴۹۴ و ج ۴، ص ۲۵۴، ۳۲۹، ۴۰۵، ۴۳۱، ۵۹۲ و ج ۵، ص ۴۴۷ و ج ۶، ص ۱۷۷).

عبارت زیر و همانند آن، بارها در صحابه‌نگاری‌های اهل‌سنت آمده است که بر تأثیرگذاری کتاب ابن ابی‌رافع در کار این صحابه‌نگاران دلالت می‌کند:

> جبیر بن الحباب بن المنذر الأنصاری. قال بن‌حبان: یقال له صحبهٔ وفی إسناده نظر وذکره مطین فی الصحابهٔ وقال: إنه فی سیر عبید الله بن أبی‌رافع فی تسمیهٔ من شهد صفین مع علی من الصحابهٔ أخرجه الباوردی والطبرانی عن مطین وابن منده عن الباوردی وأبو نعیم عن الطبرانی(ابن‌حجر، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۵۶۹).

هم‌چنین متن آن را قاضی نعمان در *شرح الاخبار*(قاضی نعمان، ۱۴۱۴، ج۱، ص ۱۶ – ۳۶) نقل کرده؛ چنان‌که می‌توان گفت این منبع اصیل و کهن مسلمانان از میان نرفته است. افزون بر دو منبع یاده شده،کتاب‌های دیگر صحابه نگاران پاره‌های فراوانی را از آن آورده‌اند (ر.ک: ذیل شرح *المعجم الکبیر* طبرانی و *کتاب الصحابه* مطین و *کتاب الصحابه* باوردی). بنابراین، بازسازی آن امکان‌پذیر می‌نماید. منبع قاضی نعمان، محمد بن‌سلام با اِسنادش به عون بن‌عبیدالله از

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.4.7.1]

پدرش سامان یافته است، اما طبرانی و برخی دیگر از صحابه‌نگاران به روایت از ابن ابی‌شیبه از ضرار بن‌صرد از علی بن‌هاشم از محمد بن‌عبید الله بن ابی‌رافع از پدرش عبید الله بن أبی‌رافع،طریق دیگری برای این کتاب گزارش کرده‌اند (برای نمونه، ر.ک: طبرانی، ۱۴۰۵، ج۳، ص ۲۲۳ و ج۴، ص۱۴). طریق سوم نیز از علی بن‌هاشم است که شیخ طوسی آن را چنین می‌آورد:

> عن الدروی [وراق احمد بن عبدالله بن احمد بن جلین . نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۸۵] عن ابی الحسین زید بن‌محمد الکوفی عن احمد بن‌موسی بن‌اسحاق عن‌صفوان بن‌مرد(صرد) عن علی بن‌هاشم بن البرید عن محمد بن‌عبیدالله بن ابی‌رافع عن عون بن‌عبیدالله عن ابیه (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۱۷۵نیز ر.ک: نمازی، ۱۴۱۲، ج۸، ص ۳۴۵).

بی‌گمان، چگونگی تأثیرگذاری کتاب ابن ابی رافع را در منابع یاد شده در این نوشتار نمی‌توان پاسخ گفت. بنابراین، تنها به چند کتاب کهن و اصلی و تأثیرگذار در دانش صحابه‌نگاری اشاره می‌شود:

۲. کتاب الصحابة‌مطین[1] (۲۰۲ ـ ۲۹۷)

ابوجعفر محمد بن‌عبدالله بن‌سلیمان حَضْرمی مُطَین کوفی، محدّث، فقیه، مفسر و مورخ بزرگ و معتمَد کوفه (ذهبی، ۱۴۱۰، ج۱۴، ص ۴۲؛ کحاله، بی تا، ج۱۰، ۲۱۸) بود که تنها محدث شهیر ابوبکر بن ابی‌دارم از او صدهزار حدیث آورده است(همان، ۱۴۱۰، ج۱۴، ص ۴۱). مطین نزد بیش از پانصد نفر از شیوخ و استادان شاگردی کرد (همان، ۱۴۱۰، ج۱۴، ص۴۲). دارقطنی مطین را کوه علم (صفدی، ۱۴۲۰، ج۳، ص۲۷۶؛ ابن العماد حنبلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۲۶) و ذهبی «اوعیهٔ العلم»توصیف کرده است (ذهبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۶۲). جای تدریس او کنار اسطوانه مسجد کوفه بود که پیش از او بزرگانی همچون ابن مسعود، علقمه، ابراهیم نخعی، وکیع و سفیان ثوری در آن‌جا تدریس می‌کردند (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج۱۰، ص ۷۰). نوشته‌های او افزون بر

۱.برای آگاهی از ضبط این کلمه، ر.ک: سمعانی، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۳۲۹. ابن ناصرالدین یادآوری می‌کند چنانچه این نام فاعلی (مُطَیِّن) خوانده شود، او عبدالله بن‌محمد استاد ابن‌منده خواهد بود. ابن ناصرالدین، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۱۹۰.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.4.7.1]

کتاب الصحابه چنینند: کتاب المسند، کتاب السنن فی الفقه، کتاب الادب، کتاب تفسیر المسند (ابن‌ندیم، بی‌تا، ص ۲۸۷؛ ذهبی، ۱۴۱۰، ج۱۴، ص ۴۱)، کتاب التاریخ (سمعانی، ۱۴۰۸، ج۵، ص ۳۳۰؛ ذهبی، ۱۴۰۷، ج۲۲، ص ۲۷۵). این کتاب را *تاریخ صغیر* نیز خوانده‌اند (ر.ک: ذهبی، بی‌تا، ج۲، ص ۶۶۲) که به *تاریخ صفین* تصحیف شده است (ر.ک: کحاله، بی‌تا، ج۱۰، ص ۲۱۸) و کتاب مسند علی (ع) (تهرانی، ۱۴۰۳، ج۱۱، ص ۳۴۲؛ طباطبایی، عبدالعزیز، تراثنا،ش ۲۰، ص ۶۱).

ابن‌طاووس در «ری الظمان» فضایلی از امام علی(ع) را به نقل از مطین آورده که برگرفته از مسند علی او بوده است (ر.ک: کلبرگ، اتان، ص۴۵۹ – ۴۶۰). مطین پس از ۹۵ سال زندگی، در ربیع‌الآخر ۲۹۷ در کوفه درگذشت (سمعانی، ۱۴۰۸، ج۲، ص۱۴۱؛ ذهبی، بی‌تا، ج۲، ص ۶۶۲ و ۱۴۱۰، ج۱۴، ص۴۴).

بی‌گمان، کتاب الصحابه مطین از پایه‌های صحابه‌نگاری‌های بعدی است؛ چنان‌که ابن‌اثیر در اسدالغابه و ابن‌حجر در الاصابه بسیار از او نام برده‌اند. (ر.ک: ابن اثیر، ۱۴۱۵، ج۱، ص ۲۷۰، ۲۷۳،ج۳، ص ۹۹، ۱۲۴، ۱۵۴، ۳۱۲، ج۴، ص ۵۱، ۲۱۲، ۲۹۹، ۳۲۵، ۴۰۶، ج۵، ص ۱۷، ۲۳۹، ۲۴۴، ۲۷۲، ۲۷۵، ۲۹۰، ۲۹۵، ۳۰۳، ۳۱۰، ۳۱۳؛ابن‌حجر، ۱۴۱۵، ج ۱،ص ۲۲۴، ۴۸۹، ۴۹۹، ۵۲۲، ۵۶۰، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۹، ۵۷۱، ج۲، ص ۲۸، ۱۰۷، ۲۰۶، ۳۴۴، ۳۸۵،ج۳، ص ۹۲، ۱۱۵، ۱۴۰، ۲۴۵، ۴۹۵،ج۴، ص ۵۳، ۲۴۳، ۲۵۵، ۲۶۱، ۳۴۱، ۳۵۵، ۴۶۰، ۵۷۹،ج۵، ص ۳۶، ۱۷۷، ۲۱۸، ۴۳۸، ۴۸۰،ج۶، ص ۴، ۳۱، ۵۶، ۶۲، ۸۲، ۲۷۰، ۳۳۸، ۴۰۴، ۵۶۱،ج۷، ص ۵۸، ۵۹، ۱۰۲، ۱۳۲، ۱۷۹، ۲۱۳، ۲۲۱، ۲۶۲، ۲۶۸، ۲۷۱، ۲۹۸، ۳۰۶، ۳۱۳، ۳۱۵، ۳۲۰، ۳۳۵، ۳۴۱، ج۸، ص ۵۸، ۳۵۴، ۴۱۱).

کتاب عبیدالله بن ابی‌رافع از منابع اصلی و مهم مطین بوده که بارها از او نام برده است. بهره‌گیری او از این کتاب، بر پایه گزارش‌های صحابه‌نگاران بعدیِ یاد شده ثابت می‌شود؛ چنان‌که به‌خوبی می‌توان به تأثیر کتاب ابن ابی‌رافع از طریق مطین در صحابه‌نگاری‌های پسین آگاه شد.

۳. کتاب الصحابه باوردي (م ۳۰۱)

صحابه‌نگار شهیر که کتابش معتمَد و مستند صحابه‌نگاران پسین بوده است. وی در مصر ملازم ابن الحداد فقیه شافعی پرآوازه بود و با او درباره حدیث مذاکره می‌کرد و

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.4.7.1]

حداد وی را می‌ستود. صحابه‌نگاران و محدثان شهیری چون ابن‌منده (ابن‌نجار بغدادی، ۱۴۱۷، ج۱، ص ۲۲۰؛ شهرزوی، ۱۴۱۶، ص ۳۶) و ابونعیم و ابن‌عدی (ابن‌عدی، ۱۴۱۸، ج۷، ص ۱۲۹) از شاگردان باوردی بودند که از وی روایت کرده‌اند (ابن‌عدی، ۱۴۱۸، ج۱، ص ۱۳۸). کتاب او نزد ابن عبدالبر و ابن‌حجر بوده و پاره‌هایی را از آن نقل کرده‌اند (ابن عبدالبر، ۱۴۱۵، ج۴، ص ۱۵۹۸ و ۱۶۶۶). هم‌چنین مغلطای این کتاب را با عنوان *معرفة الصحابه* داشته است(ر.ک: مغلطای، ۱۴۲۲، ج۲، ص ۱۲، ۱۶، ۲۱، ۱۳۰، ۲۱۵، ۲۵۷، ۲۸۹ و...).

برجسته‌ترین ویژگی کتاب باوردی این است که وی از *تسمیه* عبیدالله بن ابی‌رافع در نوشتن آن بهره برد و *معرفه الصحابه* باوردی از منابع دست‌یابی به این کتاب بسیار ارزش‌مند کهن شیعی است(ابن عبدالبر، ۱۴۱۵، ج۴، ص ۱۷۱۲). باوردی در نقل‌های خود از این کتاب، بیش‌تر نویسنده را با نام عبیدالله بن ابی‌رافع یاد می‌کند، اما در یک‌جا او را عبدالله بن ابی‌رافع (ابن عبدالبر، ۱۴۱۵، ج۴، ص ۱۷۱۲؛ ابن‌حجر، ۱۴۱۵، ج۲، ص ۱۲۰) و در جایی دیگر ابی‌رافع (ابن‌حجر، ۱۴۱۵، ج۴، ص ۲۵۴) می‌نامد که تصحیف و اختصار در چنین نام‌گذاری‌ها آشکار است. او در جایی نیز بدون نام عبیدالله و کتابش (ابن‌حجر، ۱۴۱۵، ج۴، ص ۴۳۱) از صحابی شرکت‌کننده در صفین نام می‌برَد، اما با توجه به دیگر نمونه‌ها، بی‌گمان منبع باوردی کتابی جز تسمیه ابن ابی‌رافع نبوده است.

وی در بیش‌تر عبارت‌هایش، تنها می‌نویسد: «فیمن شهد صفین»، اما در یک جا از بدریونی آمده است که در صفین حاضر بودند (ابن‌حجر، ۱۴۱۵، ج۴، ص ۴۹۷). این نکته را می‌توان اشاره‌ای به برشمردن صحابی گوناگون حاضر در صفین در کتاب ابن ابی‌رافع دانست که منابع دیگر نیز بدان اشاره یا تصریح کرده‌اند.

گمان می‌رود باوردی با یک اسناد در کتاب ابن ابی‌رافع دست داشته است؛ چنان‌که ابن‌حجر می‌گوید: «اخرج بسنده المتکرر الی عبیدالله بن ابی رافع» (ابن‌حجر، ۱۴۱۵، ج۴، ص ۵۹۲ و ۶۰۱). ابن‌حجر هرگز به طریق باوردی تا عبیدالله ابن ابی‌رافع اشاره نمی‌کند؛ جز آن‌جا که راوی کتاب، به‌روشنی محمد پسر عبیدالله آمده، اما ابن‌حجر اسناد باوردی را بارها ضعیف توصیف کرده است (ابن‌حجر، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۱۹ و ج ۴،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.4.7.1]

ص ۴۳۱، ۴۹۷ و ج۶، ص ۱۷۷) که شاید علت آن چیزی جز تشیع راوی نبوده باشد. بنابراین، استناد باوردی به کتاب عبیدالله بن ابی‌رافع از طریق استاد خود مطین صورت نپذیرفته است وگرنه، ابن‌حجر طریق او را تضعیف نمی‌کرد.

٤. المعجم الکبیر ابوالقاسم سلیمان بن احمد طبرانی اصفهانی (م ٣٦٠)

خاستگاه او، طبریه شام و زادگاهش عکا (۲۶۰) بود (ابن‌منده، ابوزکریا، بی‌تا، ص ۲؛ زرکلی، ۱۹۸۰م، ج۳، ص ۱۲۱)،اما بر اثر شصت سال زیستن در اصفهان و درگذشتش در این شهر(ذهبی، بی‌تا، ج۳، ص ۹۱۵)، به اصفهان منسوب شده است.وی نخست در سال ۲۹۰ به اصفهان رفت و چندی بعد از آن‌جا هجرت کرد، اما دوباره به اصفهان بازگشت و تا پایان عمرش در آن‌جا ماند (طبرانی، مقدمه محقق، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۷). طبرانی از محدثان بزرگ اهل‌سنت بود که نوشته‌های مهمش درباره حدیث، او را به فردی از برجسته‌ترین حافظان حدیث بدل کرده است. *المعجم الکبیر* و *الاوسط* و *الصغیر* او از بزرگ‌ترین مجموعه‌های حدیثی اهل‌سنت به شمار می‌روند؛ چنان‌که تنها *المعجم الاوسط*، ۵۲ هزار حدیث دارد (باشا البغدادی، بی‌تا، ج۱، ص ۳۹۶).

*المعجم الکبیر*همچون *مسند* احمد بن‌حنبل بیش‌تر به کتابی حدیثی می‌ماند تا معجم‌نگاری تاریخی؛ یعنی نویسنده به اندازه توانش نام همه اصحابی را که از رسول خدا (ص) روایاتی نقل کرده‌اند، در این اثر گرد آورده است. ۱۵۰۰ راوی در این کتاب یاد می‌شوند که ۲۴۰ نفرشان، از صحبیات به شمار می‌روند. طبرانی با توجه به جایگاه «عشره مبشره»، نام آنان را پیش‌تر از دیگران آورده و از صحابه‌نگار معروف؛ یعنی مطین بسیار بهره برده و از طریق او یا مستقل، از کتاب عبیدالله بن ابی‌رافع برای شناسایی صحابه سود جسته است (طبرانی، ۱۹۸۳م، ج۲، ص ۱۴۶، ۲۵۹، ۲۸۷، ۲۸۸، ج۳، ص ۲۲۳، ۲۷۳، ۲۷۶، ج ۴، ص ۱۴، ۳۰، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۳، ۲۱۷، ج ۵، ص ۳۵، ۶۰، ۶۹، ۲۲۵).

٥. فضائل الصحابة محمد بن صباح زعفرانی

هویت نویسنده این کتاب چندان روشن نیست؛ بنابر نقلی از اصحاب امام کاظم (ع)

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.4.7.1]

یا پدر ابوعلی حسن بن‌محمد بن‌صباح زعفرانی شاگرد شافعی (م ۲۶۰) بوده است (کلبرگ، ۱۳۷۱، ص ۵۵. نیز ر.ک: سزگین، ۱۴۱۲، ج۳، مجلد اول (فی الفقه)، ص ۱۹۳).

٦. کتاب من شهد الجمل مع علی من الصحابة
٧. کتاب من شهد صفین مع علی من الصحابة
٨. کتاب من شهد صفین مع علی من البدریین
٩. کتاب من شهد صفین مع علی من الانصار

این چهار اثر،از آنِ نسب‌شناس و مورخ بزرگ و شهیر شیعی، ابن‌کلبی ابومنذر هشام بن‌محمد بن‌سائب (م ۲۰۵) است. تراجم‌نگاران شیعی او را از نویسندگان و دانشمندان شیعی دانسته‌اند و نجاشی به صراحت درباره‌اش گفته است: وی امامی‌مذهب بود (کان یختص بمذهبنا) (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۴۳۴ – ۴۳۵؛ تهرانی، ۱۴۰۳، ج۲۲، ص ۲۲۸ – ۲۲۹). وی نزد امام صادق (ع) جایگاهی بلند داشت و آن حضرت بسیار به او توجه می‌کرد؛ چنان‌که گفته‌اند زمانی بیمار شد و بر اثر آن، دانش خود را از یاد برد، اما امام صادق در ظرفی به او آب نوشاند و دانش وی بازگشت (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۴۳۴). ابن‌حبان او را غالی در تشیع (ابن‌حبان، بی‌تا، ج۳، ص ۹۱) و ذهبی او را رافضی وصف کرده است (ذهبی، بی‌تا، ج۱، ص ۳۴۳). احمد بن‌حنبل و دارقطنی و دیگر علمای اهل‌سنت به‌رغم اعترافشان به دانش فراوان ابن‌کلبی، او را با تعبیرهای گوناگون تضعیف کرده‌اند (عقیلی، ۱۴۱۸، ج۴، ص ۳۳۹؛ ذهبی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۳۰۴ – ۳۰۵؛ ابن‌حجر، ۱۳۹۰ق، ج۶، ص ۱۹۶). چنین تضعیفی تنها درباره افرادی روا داشته می‌شود که منسوب بودن آنان به تشیع امامی روشن است.

هشام کلبی بیش از عبیدالله بن ابی‌رافع به شناسایی و شناساندن صحابه سهم دارد؛ زیرا افزون بر تدوین کتاب یا کتاب‌هایی همچون آثار مانند ابن ابی‌رافع، دو کتاب مهم و بنیادین و یگانه درباره نسب نوشت که صحابه‌نگاران را گزیری از خواندن آن نیست؛ چنان‌که شناسایی برخی از صحابه و اثبات صحابی بودن آنان، تنها بر پایه گزارش‌های او به سرانجام می‌رسد. از این‌رو، افزون بر استناد به منابع یاد شده، به کتاب‌های نسب او؛ یعنی *جمهره النسب و نسب معد و الیمن الکبیر*، بسیار

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.4.7.1]

استناد کرده‌اند.

شاید هشام کلبی تنها دو کتاب درباره صحابه داشته باشد کـه همـراه امیرمؤمنـان (ع) در جمل و صفین بوده و از این روی که بیش‌تر آنان از انصار و شـمار فراوانـی از آنـان بدری به شمار می‌رفته‌انـد (مسـعودی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۳۶۱ و ۳۶۷)، گمـان رفتـه کـه کلبی درباره صفین سه کتاب نوشته اسـت. هم‌چنـین نامحتمَـل نیسـت کـه وی هماننـد عبیدالله بن ابی‌رافع و ابوالعباس ابن‌عقده، تنها یک کتاب درباره اصحاب شرکت‌کننده در جنگ‌های امام علی(ع) نوشته باشد.

این کتاب نزد ابن عبدالبر و ابن‌اثیر و ابن‌حجر بوده است و آنان بخش‌هـایی را از آن در صحابه‌نگاری‌های خود آورده‌اند. با تتبع در *الاستیعاب* می‌تـوان دریافـت کـه ابن عبدالبر برای شناساندن اصحاب شرکت‌کننده در جمل و صفین و نهروان، نسـخه‌ای از کتاب هشام کلبی را داشته و از کتاب عبیـدالله بـن ابی‌رافـع نـامی نبـرده اسـت (ابـن عبـــــــــــدالبر، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۲۰، ۲۲۸، ۳۲۰،،ج۲، ص ۴۳۱، ۶۰۱، ۶۶۹،ج۳، ص۹۴۷،۹۶۷، ۱۱۶۴، ۱۲۵۷، ۱۲۹۸، ۱۳۳۲، ۱۳۹۱، ج۴، ص ۱۵۶۷، ۱۵۷۴،، ۱۵۷۷، ۱۶۰۶، ۱۷۴۴، ۱۷۷۵)، اما ابن‌اثیر و ابن‌حجر از هر دو کتاب عبیدالله بن ابی‌رافع و هشام کلبی بهره برده‌اند (ابن‌اثیـر، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۳۱، ۳۱۳، ۵۸۶، ج ۲، ص ۲۱۰، ج۳، ص ۲۰۳، ج۴، ص ۱۶۳، ۳۸۲، ۷۱۰، ۷۲۱، ج ۵، ص ۲۵، ۳۲۸؛ ابن‌حجـــر، ۱۴۱۵، ج ۴۴۱،، ج۲، ص ۵۷، ۲۱۹، ۲۳۵، ۳۵۴، ۵۳۲، ج۳، ۳۰۵، ج۴، ص ۱۴۴، ج۵، ص ۶۷، ۱۰۷، ۲۶۸، ۳۷۶، ۴۳۱، ۴۷۸، ج۶، ص ۷۶، ۴۴۶، ۴۷۱، ۵۱۳، ۵۲۲، ۵۵۶، ج ۷، ص ۳۰۳، ۳۷۳).افزون بر این سه صحابه‌نگار شهیر، ابن‌شاهین از صحابه‌نگاران متقدم و معروف از کتاب هشام کلبی بسیار بهره برده است.

۱۰. کتاب الصحابة ابن‌شاهین (۲۹۷ ـ ۳۸۵ه‍ ق)

ابوحفص عمر بن‌احمد بن‌عثمان در صفر ۲۹۷ ق به دنیـا آمـد و بـه گفتـه خـودش، خاستگاه او مرورود خراسان بوده است. او یازده سـال داشـت کـه بـه نوشـتن حـدیث پرداخت (۳۰۸ق) و باز به گفته خودش، سه نفـر از مشـایخ او همچـون بغـوی نیـز در همین سن حدیث نوشته‌اند. ابن‌شاهین به شام و بصره (۳۳۲ق) و ایران سفر کرد و ۳۳۰ کتاب نوشت که تنها *تفسـیر کـبیـر* او هـزار جـزء و مسـندش ۱۳۰۰ جـزء و

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.4.7.1]

تاریخش ۱۵۰ جزء بوده و تنها از بغوی هفتصد یا هشتصد جزء داشته است. هنگامی که کتاب‌های او از میان رفت، بیست یا سی‌هزار حدیث را به کمک حافظه‌اش دوباره نوشت، اما فقه نمی‌دانست و هنگامی که از مذهب شافعی و دیگران نزد او سخن می‌رفت، چنین می‌گفت: من «محمدی‌المذهب»ام. ابن‌شاهین یازدهم یا دوازدهم ذی‌الحجه ۳۸۵ چند روز پس از مرگ دار قطنی درگذشت و در کنار احمد بن‌حنبل به خاک سپرده شد. افزون بر *الصحابه*، *اسماء الثقات*، *فضائل سیده النساء فاطمه (س)* و *ناسخ الحدیث و منسوخه* از آنِ اوست (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱۱، ص ۲۶۵؛ ابن‌جوزی، ۱۴۱۲، ج ۱۴، ص ۳۷۸؛ ذهبی، بی‌تا، ج ۳، ص ۹۸۷؛ ذهبی، ۱۴۱۰، ج ۱۶، ص ۴۳۱).

کتاب الصحابه ابن‌شاهین از مراجع اصلی و کهن و گسترده صحابه‌نگاران پسین به شمار می‌رود. بررسی منابع او در صحابه‌نگاری از کارهای مهمی است که در فرآیند پیدایی و دگرگونی صحابه‌نگاری باید بدان پرداخت. با توجه به نمونه‌های بسیار نقل‌های ابن‌اثیر و ابن‌حجر از او، جز مشایخ پراکنده فراوان، منابع اصلی او را چند منبع می‌توان دانست. این منابع سهم فراوانی در صحابه‌نگاری ابن‌شاهین داشته‌اند. برای نمونه، هشام بن‌محمد بن‌سائب کلبی که مرجع دانش تبارشناسی عرب است، از منابع او به شمار می‌رود. ابن‌شاهین بارها به او تکیه کرده است. این اتکا نه‌تنها در نام و نسب صحابه که در شناسایی و شناساندن صحابه دیده می‌شود. بخش فراوانی از کتاب صحابه‌نگاری ابن‌شاهین راوامدار گزارش‌های ابن‌کلبی در کتاب‌های پیشین و کتاب نسب‌شناسی او می‌توان برشمرد. *الصحابه* ابوالعباس ابن‌عقده، از دیگر منابع شیعی ابن‌شاهین بوده است (ابن‌حجر، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۶۷، ج ۴، ص ۳۰۱).

۱۱. کتاب المعرفه (فی الصحابه) ابوسعید عبّاد بن‌یعقوب رَواجنی اسدی کوفی (م شوال یا ذی‌القعده ۲۵۰)[1]

طوسی او را از دانشمندان اهل‌سنت خوانده (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۱۹۲) و سید بن‌طاووس بر پایه این عبارت شیخ، عباد رواجنی را از اهل‌سنت دانسته است (سید

۱. برای آگاهی از تاریخ وفات او،ر.ک: بخاری، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۳۶۱؛ بخاری، بی‌تا، ج ۶، ص ۴۴؛ مزی، ۱۴۰۳ – ۱۴۰۴، ج ۱۴، ص ۱۷۹.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.4.7.1]

بن‌طاووس، ۱۴۱۴، ص ۲۷۱)، اما آغابزرگ می‌گوید: «منظور او این نیست که وی شیعه نیست و الا خارج از موضوع خواهد بود»؛ یعنی *الفهرست* او برای شناساندن کتاب‌ها و نویسندگان شیعی نوشته شده است. وحید بهبهانی در تعلیقه‌اش چنین توضیح می‌دهد: مقصود این است که وی بر پایه تقیه، به مسلک و روش آنان رفتار می‌کرده است. آغابزرگ می‌افزاید: پیش از وحید، شهید ثانی در تعلیقه خود بر *خلاصة الاقوال علامه حلی*[1] درباره کسانی که در کتاب‌های رجالی شیعه «عامی‌المذهب» وصف شده‌اند، مقصود را چنین بازگو می‌کند: آنان از باب تقیه با آنان معاشرت و سلوک نیکو داشته‌اند (تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۱۳۳،ج ۲۱، ص ۲۴۴).

توصیف شدن او به شیعی، محدّث شیعه، رافضی، بلکه غالی رافضی (براثر بدگویی‌اش از عثمان و طلحه و زبیر[2]) و تضعیف شدید برخی از علمای اهل‌سنت (ابن‌حبان، بی‌تا، ج۲، ص ۱۸۲؛ ابن‌عدی، ۱۴۱۸، ج۴، ص ۳۴۸)درباره او (تصریح به اینکه تضعیفش به دلیل مذهب اوست نه وثاقت و راست‌گویی‌اش در نقل حدیث) (ابن‌خزیمه، بی تا،ج ۲، ص ۳۷۷؛ ذهبی، ۱۴۱۶، ج۲،ص ۳۷۹؛ ذهبی، ۱۴۱۰، ج۱۱، ص ۵۳۶؛ ابن‌حجر، ۱۴۰۴، ج۵، ص ۹۵)، تشیع رواجنی را به‌خوبی ثابت می‌کند. هم‌چنین روایات مناقب مهم امیر مؤمنان (ع) (کوفی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۷۷؛ قاضی نعمان تمیمی، ۱۴۱۴ق، ج۲، ص ۳۶۹؛ طبری شیعی، ۱۴۱۵، ص ۵۸۴؛ سید بن‌طاووس، ۱۴۱۳، ص ۲۷۱ –۲۷۸) و تألیف *اخبار المهدی (ع)* (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۱۹۲) و *مناقب اهل‌البیت* (ذهبی، ۱۴۱۰، ج۷، ص ۳۳)،گواهی بر تشیّع اوست (بروجردی، ۱۴۱۰، ج۱، ص ۳۱۴).

با توجه به منابع رجالی اهل‌سنت، عباد بی‌گمان از شیعیان بود، اما زیدی بودن او بسی محتمَل است؛ چنان‌که در قیام ابوالسرایا نیز شرکت کرد. سزگین از معاصران او را شیعی دانسته (سزگین، ۱۴۱۲، ج۲، ص ۹۸) و سید بن‌طاووس در ذیل سندی پس از

۱. وی همچون شیخ طوسی، او را «عامی المذهب» خوانده است. ر.ک: حلی، ۱۴۱۷، ص ۳۸۰.

۲. او می‌گفت: خدا عادل‌تر از این است که طلحه و زبیر را به بهشت ببرد؛ زیرا آنان با امام جنگیدند. برای آگاهی بیش‌تر در این‌باره، ر.ک: مزی، ۱۴۰۳– ۱۴۰۴، ج۱۴، ص ۱۷۸–۱۷۸؛ ذهبی، ۱۴۱۰، ج ۱۱، ص ۵۳۶؛ نقوی، میر حامد حسین ۱۴۰۵، ص ۹۷ ـ ۹۸؛ شرف‌الدین، عبدالحسین، ص۱۴۲ ـ ۱۴۳.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.4.7.1]

نام او گفته است او را امـامی یـا زیـدی دانسته‌اند(سـید بن‌طـاووس، ۱۴۱۳، ص ۴۶۲). باری، وی از مشایخ بخاری، ترمذی و ابن‌ماجه و برخی دیگر از بزرگان اهل‌سـنت بـود (امینی، ۱۳۶۶ق، ج۶، ص ۶۲).

المعرفه فی الصحابه رواجنی نزد شـیخ طوسـی بـوده و آن را بـا دو واسطه از طریق ابوالفرج اصفهانی اخذ کرده است(طوسی، ۱۴۱۷، ص ۱۹۲). سزگین بـه گمـان قـوی، *المعرفـه* او را منبـع اصـلی ابـوالفرج اصـفهانی در *مقـاتـل الطـالـبیین*دانسـته (سـزگین، ۱۴۱۲، ج۲، ۹۸) و ایـن کتـاب نـزد سـید بن‌طاووس(سید بن‌طاووس، ۱۴۱۳، ص۱۰۴) و ذهبـی (ذهبـی، ۱۴۱۰، ج۱۱، ص ۵۳۸) نیز بوده است.

۱۲. فضل الکوفة و من نزلها من الصحابة ابراهیم بن‌محمد بن‌سعید بن‌هلال بن‌عاصم بن‌سعد بن‌مسعود ثقفی (م۲۸۳ق)

ثقفی مورخ پرکار و مؤلـف پـرآوازه *الـغـارات*و نخسـت زیـدی بـود؛ سـپس امامی‌مذهب شد و برادرش علی او را بر اثر تغییر مذهب از خود راند (سـمعانی، ۱۴۰۸، ج۱، ص ۵۱۱؛ ابن‌حجر، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۰۳). ابونعیم نیز ابراهیم را به غلو در تشـیع وصف کرده است (ابونعیم اصفهانی، ۱۹۳۴، ج۱، ص ۱۸۷). گفته‌اند وی بـر اثـر فـراهم نبودن زمینه در کوفه نتوانست *المعرفـه* را بخوانـد؛ زیـرا ایـن کتـاب در مناقـب اهل‌بیت و مثالب دشمنان آنان بود و از این‌رو، به اصفهان رفت. او سوگند خـورده بـود که این کتاب را در جایی بخواند که دشمنان از تشیع دور باشند. مشایخ قمی با گروهـی به ریاست احمد بن‌محمد بن‌خالد برقی به اصفهان رفتند و از او خواستند به قـم بیایـد، اما او دعوت آنان را پاسخ نگفـت و تـا پایـان عمـرش در همان‌جـا مانـد و درگذشـت (۲۸۳ق) (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۱۷؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۷، ص ۳۷).

۱۳. فضایل الصحابة ابن ابی‌الثلج ابوبکر محمد بن‌احمد بن‌محمد بن ابی‌الثلج عبدالله بن‌اسماعیل الکاتب (م ۳۲۵ق)

وی معاصر سعد بن‌عبدالله (گویی اشعری م ۳۰۱ق) بوده اسـت (نجاشـی ۱۴۱۶، ص ۳۸۱؛ تهرانی، ۱۴۰۳، ج۱۰، ص ۱۴۳، ج ۲۲، ص ۲۳۰). ابن‌نـدیم او را «خاصـی عـامی» وصف کرده، اما گفته است: «و التشیع اغلب علیه» (ابن‌ندیم، بی‌تا، ص ۲۸۹). نجاشی او را «ثقه، عین»می‌خواند که چنین وصفی درباره عامی المذهب به کار نمی‌رود. هم‌چنـین

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.4.7.1]

آمدن نام او در این کتاب که ویژهٔ نویسندگان شیعه است، بـر تشـیع او دلالـت می‌کنـد. همه نوشته‌های ابن ابی‌الثلج درباره اهل‌بیت(ع) اسـت. ماننـد *تـا ریـخ الائمـه علیهم السلام* و *کـتـاب الـبشري و الـزلـفـي فـي فـضـايـل الـشيعـه* (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۳۸۱؛ طوسی، ۱۴۱۷، ص ۲۳۰). این کتاب‌هـا نیـز بـه خوبی بر تشیع او گواهی می‌دهند. شـیخ طوسـی نیـز او را از شـیعیان برشـمرده اسـت (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۴۳. کلبرگ، ۱۳۷۱ش، ص ۴۲۲).

١٤. ذكر الشيعة و من ذكرهم هو او من احب من الصحابه، ابو احمد عبدالعزيز بن‌يحيى بن‌عيسى جلودى ازدي بصري (م ٣٣٢)

این کتاب در باره اصحابی است که امیرمؤمنان(ع) آنان را دوست داشته و از آنان بـه نیکی یاد کرده است(نجاشی،۱۴۱۶، ص۲۴۱).دیگر صحابه‌نگاری‌های جلودی چنینند:

١٥. كتاب من روى عن علي من الصحابة، معروف بـه رجـال الجلودى(همان،١٤١٦، ص٢٤١)؛

١٦. كتاب ما اسنده عن الصحابه؛

١٧. كتاب تفسيره عنه الصحابه.

شیخ طوسی جلودی را امامی‌مـذهب (طوسـی، ۱۴۱۷، ص ۳۴۰) و ابن‌نـدیم او را از اکابر شیعه امامی خوانده اسـت(ابن‌ندیم، بی‌تـا، ۲۴۶). جلـودی میـان شـیعیان همچـون مدائنی میان اهل‌سنت به شمار می‌رود که هر دو را باید شـیخ المورخـان نامیـد. او نیـز مانند مدائنی نزدیک به دویست کتاب نوشت، اما افسوس که آثار ایـن دو از میـان رفتـه است. بیش‌تر این آثار، تک‌نگارهایی دربـاره حـوادث تـاریخ اسـلامند و برخـی از آنهـا درباره اصحاب رسـول الله(ص) نوشـته شـده‌اند. (دربـاره جلـودی، داداش‌نـژاد، ۱۳۸۶، شماره ۱۰، ص ۶۳ ـ ۷۷).

١٨. تسمية من شهد مع اميرالمؤمنين (ع) حروبه، ابوالعباس احمد بن‌محمد بن‌سعيد بن‌عقده زيدى جارودى (م ٣٣٣ق) (نجاشى، ١٤١٦، ص ٩٤؛ طوسى،١٤١٧، ص ٧٣)

او از حافظان بزرگ حدیث بود که مجلس درسش در مسجد براثا برپـا می‌شـد. ایـن مسجد پایگاه شیعیان بغداد به شمار می‌رفت. ابوالعباس بن‌عقده به نقل فضایل علی (ع) و مثالب صحابه به‌ویژه شیخین می‌پرداخت(دار قطنی، ۱۴۰۴، ص ۱۵۹؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج۵، ص ۲۲). البته سبط بن‌جوزی از ابن‌عقده دفاع کرده و ایـن اتهـام را چنـین

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.4.7.1]

پاسخ گفته است که وی تنها به نقل فضایل اهل‌بیت(ع) می‌پرداخت و از فضایل صحابه و مثالب آنان سخن نمی‌گفت (سبط بن‌جوزی، بی‌تا،ص ۵۴). وی در دفاع از تشیع، *الولایه و من روي غدیرخم* را نوشت که بی‌گمان فهرستی از اصحاب رسول الله (ص) در آن آمده و در *تسمیه* نیز به یقین افراد فراوانی را از صحابه پیامبر (ص) نام برده است. با توجه به نام کتاب، این کار ابن‌عقده صورت کامل شده کار ابورافع و کلبی به شمار می‌رود و بر این دلالت می‌کند که شیعیان با تألیف چنین کتابی در پی پاسخ‌گویی به اتهامات اهل‌سنت بغداد در دفاع از رهبران جمل و صفین بوده‌اند. این کتاب بر پایه دیدگاه آنان در حقانیت امیرمؤمنان(ع) نوشته شده و محیط فرهنگی ضرورت تدوین چنین آثاری در آن حس می‌شده است. ابوالعباس بن‌عقده (ابن‌حجر، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۶۷؛ ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۳۰۱) از مشایخ ابن‌شاهین و ابن‌سکن بودو آنان در صحابه‌نگاری‌های خود از او بهره برده‌اند.

۱۹. معجم الصحابة (الحروف بالصحابة)، حافظ بن‌سکن، ابوعلی، سعید بن‌عثمان بن‌سعید بن‌سکن بن‌سعید بن‌مصعب بن‌رستم بن‌برثنه بن‌کسری انوشروان

او محدث ایرانی‌الاصل بود که در بغداد به دنیا آمد (۲۹۴ق) و در مصر ساکن شد. او با تجارت بزازی توانست برای کسب دانش به مناطق فراوانی از رود جیحون تا رود نیل سفر کند و با علمای بسیاری در سرخس و خراسان و دمشق و جزیره و مصر و بغداد و واسط و بصره و کوفه دیدار کرد و از آنان بهره برد و آگاهی کاملی درباره انواع علوم به دست آورد. ابوالقاسم بغوی، ابوبکر ابن‌ابی‌داوود و ابوالعباس‌ابن‌عقده، از مشایخ ابن‌سکن بودند و ابوعبدالله بن‌منده صحابه‌نگار شهیر و از برجسته‌ترین علمای اهل‌سنت، از شاگردان وی به شمار می‌رفت (ذهبی، ۱۴۱۰، ج ۱۶، ص ۱۱۷– ۱۱۸).

او نخستین کسی بود که *صحیح* بخاری را به مصر برد و منتشر کرد. ابن‌سکن در مصر درگذشت (۱۵ محرم ۳۵۳ق). افزون بر کتاب صحابه‌نگاری، نام دیگر نوشته‌های او چنین است: *الصحیح المنتقی*که به دست علمای اندلس رسیده و ابن‌حزم آن را بزرگ داشته است؛ *سنن الصحاح الماثوره* (حاجی خلیفه، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۰۰۶، ج ۲، ص ۱۰۷۴)؛ *السنن فی الحدیث* (باشا البغدادی، بی‌تا،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.4.7.1]

ج۱، ص ۳۸۹).

صحابه‌نگاری او را با نام‌های *الحروف فی الصحابه* (ابن‌حجر، ۱۴۰۴، ج۵، ص ۲۵؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۵، مقدمه محقق، ج۱، ص ۸۷)، *کتاب الصحابه* (مغلطای، ۱۴۲۲، ج۲، ص ۱۳۱؛ ابن‌حجر، ۱۴۱۵، مقدمه محقق، ج۱، ص ۱۴) و *معجم الصحابه* (ابن‌حجر، ۱۴۰۸، ص ۲۸۷؛ ابن‌حجر، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۴؛ ابن‌حجر، ۱۳۹۰، ج۶، ص ۲۷۰)[1] و *معرفة الصحابه* (ابن‌حجر، بی‌تا، ج۶، ص ۴۲۶؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۵، ص ۴۵)یاد شده است. *الحروف*از منابع بسیار تأثیرگذار در *معرفة الصحابة* ابن‌منده بود.

کتاب ابن‌سکن را در سنجش با کتاب‌های برخی از صحابه‌نگاران پیش‌گام، از مؤثرترین آثار صحابه‌نگاری باید شمرد؛ زیرا بر پایه گسترهٔ کمّی از آن، گزارش‌های صحابه‌نگاران شهیری چون ابن عبدالبر[2]و ابن‌اثیر به‌ویژه ابن‌حجر، به خوبی می‌توان آگاه شد. نسخه‌های کهن و مهم این کتاب نزد این صحابه‌نگاران به‌ویژه ابن‌حجر بوده که آن را نسخه معتمده خوانده (ابن‌اثیر، ۱۴۱۵، ج۱، ص ۲۴۷؛ همان، ج۴، ص ۱۸۷؛ ابن‌حجر، ۱۴۱۵، ج۱، ص ۴۶۱، ۶۰۰، ج ۲، ص ۱۴، ۴۰۲، ۴۰۳، ج۳، ص ۱۵۹، ج۵، ص ۳۷۵، ج۷، ص ۱۵۷، ۲۶۸، ج۸، ص ۴۱۰) و حتی نسخهٔ نزد ابن‌حجر، با حواشی ابن‌عبدالبر و با خط خود ابن‌عبدالبر بوده (ابن‌حجر، ۱۴۱۵، ج۱، ص ۳۵۲، ۶۲۳، ج۲، ص ۵۱۰، ۵۱۷، ج۳، ص ۳۴۶، ج۷، ص ۱۹۱) و افزون بر این، برای اثبات صحابی بودن افراد، به مستندات ابن‌سکن بسیار استناد شده است و آن صحابه‌نگاران به‌ویژه ابن‌حجر، کمابیش همه این مستندات را بدون نقد پذیرفته‌اند.

کتاب از حرف الف تا یاء به بخش کنیه‌ها و صحابیات نیز پرداخته است و گسترهٔ آن با توجه به استخراجش از *الاستیعاب* و *اسد الغابه* و *الاصابه* بر این دلالت می‌کند که کم‌تر مدخلی به کتاب ابن‌سکن مستند نیست، بلکه بسیاری از مستندات تنها به این کتاب صورت پذیرفته است و دیگران از او گرفته‌اند. افزون بر

۱. تکرار ابن‌حجر بر این دلالت می‌کند که این نام را بیش‌تر تأیید می‌کرده است.

۲. ابن عبدالبر از آغاز حروف تا پایان آنها بدین کتاب استناد کرده و بنابراین، سراسر آن را در دست داشته است. ر.ک: ابن عبدالبر، ج۳، ص ۱۳۷۶.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.4.7.1]

ابن‌عقده که از مشایخ ابن‌سکن بود، باوردی از مشایخ وی به شمار می‌رفت و با توجه به تأثیر کتاب ابن ابی‌رافع در باوردی،او حلقه وصل ابن ابی‌رافع به ابن‌سکن بوده است.

۲۰. کتاب الصحابة، جعابی(۲۸٤ - ۳۵۵ق)، قاضي ابوبكر محمد بن‌عمر بن‌محمد بن‌سالم بن‌براء بن‌سبرة بن‌سيار (يسار) تميمي بغدادي

او در صفر ۲۸۴قبه دنیا آمد و از بزرگ‌ترین حافظان حدیث بود که ذهبی مانند او را ندید؛ چنان‌که کتاب‌هایش از میان رفت، اما به غلام خود گفت: هیچ افسوسی نیست؛ زیرا سند و متن دو هزار حدیث را در یاد دارم. وی از اصحاب شاگردان خاص ابوالعباس بن‌عقده بود و خود از مشایخ صدوق(صدوق، ۱۴۰۴، ج۱، ص ۷۳) و مفید (مفید، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۳) به شمار می‌رفت. شیخ طوسی در *رجال* خود او را در شمار افرادی آورده است که از ائمه(ع) روایت نکرده‌اند (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۴۵). جعابی قاضی موصل و به مذهب تشیع معروف بود و به حدیث و رجال و علوم مربوط به آنها در زمان خودش آگاهی داشت و در این زمینه یگانه دوران بود. چهارصد هزار حدیث در یاد داشت. وی نیمه رجب ۳۵۵ ق در بغداد درگذشت. افزون بر *کتاب الصحابه*، نام دیگر نوشته‌های او چنین است: *من روی مؤاخاه النبی(ص) مع امیرالمومنین(ع)*، *من روی حدیث غدیرخم*، *تسمیه من روي الحديث*، *المسند* (ابن‌ندیم، بی‌تا، ص ۲۴۷؛ نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۱۸۵؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۲۳۶ - ۲۴۱؛ ابن شهرآشوب، ۱۳۸۰ق، ص ۱۴۲؛ تهرانی، ۱۴۰۳، ج۱۰، ص ۳۷).

مغلطای در *الابانه* از *الصحابه* او نام برده است (مغلطای، ۱۴۲۲، ج۲، ص۲۱۴). او افزون بر صحابه‌نگاری، کتاب‌های دیگری درباره صحابه دارد که در بحث تک‌نگاری‌ها به آنها اشاره خواهد شد. گویی او کتابی نیز همانند *تاریخ بغداد* خطیب بغدادی داشته که شرح حال افراد وارد شده به بغداد در آن آمده بوده است.

۲۱. کتاب الرجال المختارين من اصحاب النبی (ص)

۲۲. ذكرمن روي عن النبي(ص) من الرجال و من النساء

این دو کتاب از آنِ شیخ صدوق محمد بن‌علی بن‌بابویه قمی (م ۳۸۱ق)محدث و

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.4.7.1]

فقیه شهیر شیعه است(نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۳۹۰)که نوشته‌های دیگری در صحابه‌نگاری دارد.

کتب رجالی شیعه و رابطه آنها با صحابه‌نگاری

افزون بر این تألیف‌ها، کتاب‌های رجالی و طبقات‌نگاری عام (صحابه و دیگران) را نباید فراموش کرد:

*رجال*ابوعبدالله محمد بن‌خالد برقی از اصحاب امام کاظم(ع)؛

*رجال*ابن جبلهابومحمد عبدالله بن‌جبله بن‌حیان ابحر کنانی(م ۲۱۹ق)؛

*رجال*حسن بن‌فضال(م ۲۲۴ق) از اصحاب امام رضا (ع) و فرزندش علی بن حسن؛

*رجال*حسن بن‌محبوب (م ۲۲۴ق)؛

رجال ابراهیم بن‌هلال ثقفی صاحب *الغارات*؛

رجال برقی ابوجعفر احمد بن‌محمد بن‌خالد (م ۲۷۴ق) (ابن‌ندیم، بی‌تا، ص ۲۷۶؛ تهرانی، ۱۴۰۳، ج۱۰، ص ۹۹؛ صدر، ۱۳۵۷ش، ص ۶۴ ـ ۶۵). همه این کتاب‌ها در سده دوم و سوم نوشته شده‌اند. (تهرانی، ۱۴۰۳، ج۱۰، ص ۸۰ و ۸۲)؛

طبقات الامامیه ابن ابی طی حلبی. آغابزرگ گفته گویی این کتاب را از طبقه صحابه آغاز کرده است؛ زیرا ابن‌حجر در *الاصابه* ذیل ترجمه یغوث صحابی (ابن‌حجر، ۱۴۱۵، ج۶، ص ۵۴۲) و سعنهٔ (سعیهٔ) بن‌عریض(ابن‌حجر، ۱۴۱۵، ج۳، ص ۸۲) می‌گوید:

به خط ابن ابی طی، مطالب مربوط به این دو را خوانده‌ام که بر صحابی بودن آن دو دلالت دارد (تهرانی، ۱۴۰۳، ج۳، ص ۲۱۹).استنباط از دو روایت برای اثبات صحابی بودن آن دو نفر، روش ابن‌حجر در *الاصابه* است که از این‌رو،دعوی آغابزرگ اثبات‌شدنی نیست.

هم‌چنین از *ترتیب الکشی* سید یوسف بن‌محمد بن‌محمد بن زین الدین حسینی عاملی می‌توان یاد کرد که آن را در ۸۹۲ ق نوشته و بر پایه طبقات صحابه پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) تنظیم کرده است (تهرانی، ۱۴۰۳، ج۴، ص۶۷). این کتاب، هم‌نام کتاب جعابی؛ یعنی*کتاب الشیعه من اصحاب الحدیث*

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.4.7.1]

و طبقاتهم (نجاشی، ۱۴۱۶، ص۳۹۵) است که از زمان رسول خدا(ص) آغاز می‌شود.

برداشت چنین کتاب‌هایی در فهرست صحابه‌نگاری، به برداشت کتاب‌هایی مانند *الطبقات الکبری* ابن‌سعد از اهل‌سنت می‌مانَد؛ زیرا بخشی از نام‌های آمده در آنها، ویژهٔ صحابه است. البته این برداشت درباره صحابه‌نگاری مصطلح، با نگاه علمای اهل‌سنت به این دانش سازگار نیست، بلکه از باب توثیق و تضعیف راویان است.کتاب‌های مذکور شیعه به نام صحابه بر پایه ترتیب زمانی یا طبقاتی استوار شده و بی‌گمان در همین محدوده نیز یا به افراد شهیر یا به صحابی شیعی و وفادار به امیرمؤمنان (ع) یا تنها به آن دسته از صحابه پرداخته که روایاتی در باب فقه نقل کرده یا فقها به آنان توجه کرده‌اند. بنابراین، چنین نگارش‌ها را نمی‌توان از نمونه‌های صحابه‌نگاری مصطلح برشمرد، بلکه با نگاه کلی به رجال، از آنها می‌توان نام برد.

شیعه و تک‌نگاری صحابه

جز نمونه‌های عام یعنی؛ کتاب‌های صحابه‌نگاری و رجالی شیعه، دسته دیگری از نوشته‌ها را می‌توان از مجموعه‌های صحابه‌نگاری برشمرد که در قالب تک‌نگاری یا دسته‌ای خاص تدوین شده‌اند. تک‌نگاری‌های شیعه درباره صحابه به اندازه‌ای فراوان است که شناساندن آنها در سند گسترده‌تری امکان‌پذیر است و نویسندگان و مورخان پرکار و پرآوازه‌ای چون ابومخنف، نصر بن‌مزاحم منقری، جلودی، ثقفی و...، ده‌ها کتاب در این زمینه سامان داده‌اند که نامشان را *فهرست* ابن‌ندیم و *رجال* نجاشی و *فهرست* شیخ طوسی می‌توان دید. پیش از این به برخی از تک‌نگاری‌ها اشاره شد و در این‌جا از آثار دو تن از علمای بزرگ شیعه در این‌باره یاد می‌شود:

۱. بخشي از تألیفات جلودي

کتاب مسند امیرالمؤمنین (ع)؛کتاب ما نزل فی الخمسه(ع)؛ کتاب الفضائل؛ الکتاب المتعلقه بعبدالله بن العباس (رضی الله عنه)؛ مسنده (رضی الله عنه)؛کتاب ذکر خدیجه و فضل اهل‌البیت(ع)؛ کتاب ذکر فاطمه ابابکر؛کتاب ذکر الحسن و الحسین(ع)؛کتاب اخبار العباس؛ کتاب اخبار جعفر بن ابی‌طالب؛کتاب اخبار حمزه بن‌عبدالمطلب؛ اخبارعقیل بن ابی‌طالب؛ اخبار ابی‌بکر و عمر؛ اخبار صعصعهٔ بن‌صوحان (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۲۴۱ ـ

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.4.7.1]

.[1](۲۴۵

۲. بخشي از تألیفات صدوق

المعرفه فی فضل النبی والأمیرالمؤمنین و الحسن و الحسین؛ مولد امیرالمؤمنین(ع)؛ اخبار فاطمه(س)؛ مولد فاطمه (س)؛ فضل الحسن و الحسین(ع)؛ اخبار جعفر طیار و فضائله؛ ایمان ابی‌طالب؛ اخبار سلمان و زهده و فضائله؛ اخبارابی‌ذر وفضائله (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۳۸۹ ـ ۳۹۰).

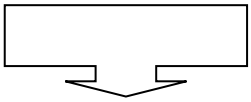
نمودار صفحه بعد، جایگاه و چگونگی تأثیرگذاری صحابه‌نگاران شیعه را در سیر پیدایی و دگرگونی صحابه‌نگاری درقالب پلکانی نشان می‌دهد. هم‌چنین کتاب ابن ابی‌رافع و هشام کلبی و ابن‌عقده را که از دید موضوعی مشترکند، در این نمودار تا سده نهم می‌توان ردیابی کرد[2].

۱. برای آگاهی بیش‌تر درباره جلودی و آثار وی، ر.ک: داداش‌نژاد، منصور (تابستان ۱۳۸۶)، «تاریخ‌نگاری شیعیان در سده‌های نخستین»، ***نامه تاریخ‌پژوهان***، ش ۱۰.

۲. این نمودار در قالبی تفصیلی همراه با مدارک لازم گرد آمده و در سندهای پژوهش تفصیلی این موضوع منتشر خواهد شد.

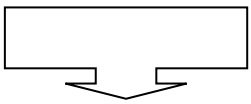
[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.4.7.1]

عبیدالله بن ابی‌رافع (م قرن اول)، تسمیه من شهد مع امیرالمؤمنین من الصحابه الجمل و صفین و النهروان



مطین (م ۲۹۷ق)، *کتاب الصحابه*
محمد بن‌حبیب (م ۲٤٥ق)، *المحبر*
طبرانی (م ۳٦۰ق)، *المعجم الکبیر*
قاضی نعمان (م ۳٦۳ق)، *شرح الاخبار*
ابونعیم اصفهانی (م ٤۳۰ق)، *معرفه الصحابه*
ابن العدیم (م ٦٦۰ق)، بغیه الطلب فی تاریخ حلب

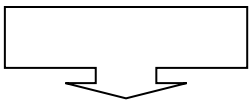
مطین (م ۲۹۷)، کتاب الصحابه



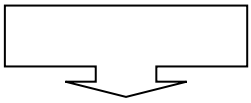
باوردی (م ۳۰۱ق)، *معرفه الصحابه*
طبرانی (م ۳٦۰ق)، *المعجم الکبیر*

طبرانی + باوردی +
هشام کلبی(م ۲۰٥ق)، تسمیه من شهد من الصحابه الجمل و صفین و النهروان مع علی +
عباد بن‌یعقوب رواجنی(م ۲٥۰ق)، *کتاب المعرفهٔ (فی الصحابهٔ)*
ابوالعباس بن عقده(م ۳۳۳ق)، تسمیه من شهد مع امیرالمؤمنین(ع) حروبه

جعابی (م ۳٥٥ق)، کتاب الصحابه



ابن‌سکن (م ۳٥٥ق) الحروف بالصحابه + ابن شاهین (م۳۸٥ق) کتاب الصحابه



ابن‌منده (م ۳٥۹ق)، *معرفهٔ الصحابه*
ابن عبدالبر (م ٤٦۳ق)، *الاستیعاب فی معرفه الاصحاب*
ابن‌فتحون (م ٥۲۰ق)، *الاستلحاق علی الاستیعاب*
ابوموسی مدینی (م ٥۸۱ق)، *ذیل معرفه الصحابه لابن منده*
ابن‌اثیر (م ٦۳۰ق)، *اسدالغابه فی معرفه الصحابه*
مغلطای (م ۷٦۲ق)، *الانابه فی من اختلف فیهم من الصحابه*
ابن‌حجر (م ۸٥۲ق)، *الاصابه فی تمییز الصحابه*

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.4.7.1]

نتیجه

نیازی که در سده‌های اول و دوم هجری در جامعه مسلمانان به پیدایی دانش سیره نبوی انجامید، زمینه را برای پیدایی دانشی درباره سیره‌نگاری فراهم آورد. این دانش صحابه‌نگاری نام گرفت و آرام‌آرام گسترش یافت؛ چنان‌که از دانش سیره جدا شد. به‌رغم دیدگاه رایج دراین‌باره و بر پایه استناد به منابع تاریخی، شیعیان بنیادگذار صحابه‌نگاری بودند؛ چنان‌که دانش‌های اسلامی دیگری نیز پدید آوردند. نخستین نوشته‌های مهم و تأثیرگذار در این دانش، از آنِ دانشمندان شیعه بوده است؛ چنان‌که در پیدایی آثار بسیار مهم اهل‌سنت در این زمینه نیز نمی‌توان از تأثیرگذاری صحابه‌نگاران و صحابه‌نگاری‌های شیعیان چشم پوشید.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.4.7.1]

کتاب‌نامه

کتاب‌ها

۱. ابنابی‌الحدید، عبدالحمید بن محمد (۱۳۷۸ ق)، *شرح نهج البلاغة*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، اسماعیلیان، افست از چاپ اول، قاهره، دار احیاء الکتب العربیه.

۲. ابن اثیر، علی بن‌محمد (۱۴۱۵ ق)، *اسد الغابه فی معرفه الصحابه*، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه.

۳. ابن العماد حنبلی، عبدالحی (بی‌تا)، *شذرات الذهب فی اخبار من ذهب*، بیروت، دار احیاء التراث.

۴. ابن النجار بغدادی، محمد بن محمود (۱۴۱۷ ق)، *ذیل تاریخ بغداد*، تحقیق مصطفی عبدالقادر یحیی، بیروت، دار الکتب العلمیة.

۵. ابن شهرآشوب، محمد بن‌علی (۱۳۸۰ ق)، *معالم العلماء*، به کوشش سید محمدصادق بحرالعلوم، نجف، مطبعه الحیدریه.

۶. ابن عبدالبر اندلسی، یوسف بن‌عبدالله (۱۴۱۵ ق)، *الاستیعاب فی معرفه الاصحاب*، تحقیق الشیخ عادل أحمد عبد الموجود، الشیخ علی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیة.

۷. ابن‌جوزی، عبدالرحمن‌بن‌علی (۱۴۱۲ ق)، *المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک*، تحقیق محمدعبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادرعطا، بیروت، دارالکتب العلمیه.

۸. ابن‌حبان، محمد (بی‌تا)،*کتاب المجروحین من المحدثین و الضعفاء و المتروکین*، تحقیق محمود ابراهیم زائد، مکه مکرمه، دارالبارز.

۹. ابن‌حجر عسقلانی، احمدبن‌علی (۱۴۰۸ ق)، *فتح الباری*، بیروت، دار إحیاء التراث العربی.

۱۰. ------- (۱۳۹۰ ق)، *لسان المیزان*، بیروت، مؤسسة الاعلمی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.4.7.1]

للمطبوعات.
۱۱. ------- (۱۴۰۴ ق)، *تهذیب التهذیب*، بیروت، دارالفکر.
۱۲. ------- (۱۴۱۵ ق)، *الاصابه فی تمییز الصحابه*، تحقیق الشیخ عادل أحمد عبدالموجود، الشیخ علی‌محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۱۳. ابن‌حزم، علی بن‌احمد (۱۴۱۲ ق)، *أسماء الصحابة الرواة*، تحقیق سید کردی حسن، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۱۴. ابن‌طاووس، علی بن‌موسی (۱۴۱۳ ق)، *الیقین*، تحقیق انصاری، قم، مؤسسه دارالکتاب.
۱۵. ابن‌عدی، ابواحمد عبدالله (۱۴۱۸ ق)، *الکامل فی ضعفاء الرجال*، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوّض، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۱۶. ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن الحسن (۱۴۱۷)، *تاریخ مدینه دمشق*، تحقیق علی شیری، بیروت، دارلفکر.
۱۷. ابن‌منده، ابوزکریا، یحیی بن‌عبدالوهاب (بی‌تا)، *جزء ترجمة الطبرانی*، بی‌جا، بی‌نا.
۱۸. ابن‌ندیم، محمد بن‌اسحاق(بی‌تا)، *الفهرست*، تحقیق رضا تجدد، تهران، بی‌نا.
۱۹. ابونعیم اصفهانی، احمد بن‌عبدالله (۱۹۳۴ م)، *ذکر اخبار اصبهان*، لیدن، بی‌نا.
۲۰. امینی، عبدالحسین (۱۳۶۶)، *الغدیر فی الکتاب و السنه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۲۱. باشا البغدادی، اسماعیل (بی‌تا)، *هدیه العارفین*، بیروت، دار إحیاء التراث العربی.
۲۲. بروجردی، علی‌اصغر جابلقی (۱۴۱۰ ق)، *طرائف المقال*، تحقیق مهدی روحانی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۲۳. تهرانی، آغابزرگ (۱۴۰۳ ق)، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، بیروت، دارالاضواء.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.4.7.1]

۲۴. حسین، میرحامد (۱۴۰۵ ق)، *خلاصة عبقات الانوار*، تهران، مؤسسهٔ البعثة، قسم الدراسات الإسلامیة.
۲۵. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱ ق)، *ایضاح الاشتباه*، قم، مؤسسة النشرالاسلامی.
۲۶. ----- (۱۴۱۷ ق)، *خلاصه الاقوال*، تحقیق جواد قیومی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۷. خطیب بغدادی، احمد بن‌علی (۱۴۱۷ ق)، *تاریخ بغداد او مدینة السلام*، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیهٔ.
۲۸. خلیفه، حاجی (بی‌تا)، *کشف الظنون*، بیروت، دار إحیاء التراث العربی.
۲۹. دارقطنی(۱۴۰۴ ق)، *سؤالات حمزه بن یوسف السهمی*، تحقیق موفق بن‌عبدالله بن‌عبد القادر، الریاض، مکتبهٔ العارف.
۳۰. ذهبی، محمدبن‌احمد (۱۴۱۰ ق)، *سیر اعلام النبلاء*، تحقیق شعیب الانؤوط، بی‌جا، مؤسسهٔ الرسالهٔ.
۳۱. ------- (۱۴۰۷ ق)، *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام*، تحقیق عمر عبدالسلام تَدْمُری، بیروت، دارالکتاب العربی.
۳۲. ------- (۱۴۱۶ ق)، *میزان الاعتدال*، تحقیق علی محمد معوّض و عادل احمد عبدالموجود، بیروت، دارالکتب العلمیهٔ.
۳۳. ----- (بی‌تا)، *تذکرة الحفاظ*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۳۴. زرکلی، خیرالدین(۱۹۸۰ م)، *الأعلام*، بیروت، دارالعلم للملایین.
۳۵. سبط ابن‌الجوزی، یوسف بن‌قزغلی (بی‌تا)، *تذکرة الخواص*، تهران، مکتبة نینوی الحدیثه.
۳۶. سزگین، فؤاد (۱۴۱۲ ق)، *تاریخ التراث العربی*، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
۳۷. سمعانی، عبدالکریم بن‌محمد (۱۴۰۸ م)، *الانساب*، تحقیق عبدالله عمر البارودی، بیروت، دارالجنان.
۳۸. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن (بی‌تا)، *الدر المنثور*، بیروت، دار

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.4.7.1]

الفکر.
۳۹. شاکر محمود عبدالمنعم (۱۴۱۷ق)، *ابن‌حجر العسقلاني مصنفاته و دراسه في منهجه و موارده في كتاب الاصابه*، بیروت، مؤسسه الرساله.
۴۰. شرف‌الدین عاملی، عبدالحسین (۱۴۰۲ ق)، *المراجعات*، تحقیق حسین الراضی، بیروت، بی‌نا.
۴۱. شهرزوی، عثمان بن‌عبدالرحمن (۱۴۱۶ ق)، *مقدمه ابن صلاح في علوم الحديث*، تحقیق ابوعبدالرحمن صلاح بن‌محمد بن‌عویض، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۴۲. شوشتری، محمدتقی (۱۴۱۰ ق)، *قاموس الرجال*،قم،مؤسسهٔالنشرالاسلامی.
۴۳. شیبانی، محمد ابراهیم (۱۴۱۴)، *معجم ما الف عن الصحابه و امهات المؤمنين و آل البيت (رضي الله عنهم)*، کویت، مرکز المخطوطات و التراث و الوثائق.
۴۴. صدر، حسن (۱۳۵۷)، *شیعه و پایه‌گذاری علوم اسلامی*، ترجمه محمد مختاری، تهران، انتشارات روزبه.
۴۵. صدوق، محمد بن‌علی (۱۴۰۴ ق)، *عیون اخبار الرضا (ع)*، تحقیق حسین اعلمی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۴۶. صفدی، خلیل بن‌ایبک (۱۴۲۰ ق)، *الوافي بالوفيات*، تحقیق احمد الأرناؤوط و ترکی مصطفی، بیروت، دار إحیاء التراث.
٤٧. *طبرانی، سلیمان بن احمد (١٤٠٥)*، المعجم الکبیر، *تحقیق حمدی عبد الحمید السلفی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌نا.*
۴۸. طبری شیعی، محمدبن‌جریر (۱۴۱۵ ق)، *المسترشد*، تحقیق احمد محمود، بی‌جا، مؤسسه النشر الاسلامیه.
۴۹. طوسی، محمّد بن حسن (۱۴۱۵ ق)، *رجال الطوسی*، تحقیق جواد قیومی، قم، مؤسسهٔالنشرالاسلامی.
۵۰. ----- (۱۴۱۷ ق)، *الفهرست*، تحقیق جواد قیومی، مؤسسهٔالنشرالفقاهۀ.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.4.7.1]

۵۱. عقیلی، محمد بن‌عمرو (۱۴۱۸ ق)، *الضعفاء الکبیر*، تحقیق عبدالمعطی أمین قلعجی، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۵۲. قاضی نعمان تمیمی، ابوحنیفه محمد بن نعمان (۱۴۱۴ ق)، *شرح الاخبار فی مناقب الائمة الاطهار*،قم، مؤسسة النشرالاسلامی.
۵۳. قیسی دمشقی، ابن‌ناصرالدین محمد بن‌عبدالله (۱۴۱۴ ق)، *توضیح المشتبه فی ضبط اسماء الرواة و انسابهم و القابهم و کناهم*، تحقیق محمد نعیم العرقسوسی، بیروت، مؤسسهٔ الرساله.
۵۴. کوفی، محمد بن‌سلیمان (۱۴۱۲ ق)، *مناقب الامام امیرالمؤمنین (ع)*، تحقیق محمد باقر محمودی، دار احیاء الثقافه الاسلامیه.
۵۵. کحاله، عمررضا (بی‌تا)، *معجم المؤلفین*، بیروت، داراحیاءالتراث العربی.
۵۶. کلبرگ، اتان (۱۳۷۱ش)، *کتابخانه ابن‌طاووس*، ترجمه علی قرائی و رسول جعفریان، قم، کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران.
۵۷. گروه تاریخ (۱۳۸۶)، *تاریخ تشیع*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۵۸. مدرسی، حسین (۱۳۸۳)، *میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین*، قم، کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران.
۵۹. مزّی، یوسف بن‌عبدالرحمن (۱۴۰۴ ق)، *تهذیب الکمال فی اسماء الرجال*، تحقیق بشّارعوّاد معروف، بیروت، مؤسسهٔ الرسالهٔ.
۶۰. مسعودی، علی بن‌حسین (۱۳۸۴ ق)، *مروج الذهب و معادن الجوهر*، تحقیق محیی‌الدین عبدالحمید، مصر، مطبعهٔ السعاده.
۶۱. مغلطای، ابن قلیج (۱۴۲۲ ق)، *اکمال تهذیب الکمال*، تحقیق عادل بن‌محمد و اسامهٔ بن‌ابراهیم، بی‌جا، الفاروق الحدیثه للطباعه و النشر.
۶۲. مفید، محمد بن‌محمد (۱۴۱۴ ق)، *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
۶۳. ----- (۱۴۱۳ ق)، *مصنفات الشیخ المفید (الجمل والنصرة لسید العترة فی حرب البصره)*، تحقیق علی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.4.7.1]

میرشریفی، قم، المؤتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید.
۶۴. مِنْقَری، نصر بن مُزاحِم (۱۴۰۴ ق)، *وقعة صفین*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، منشورات مکتبة آیة الله العظمی مرعشی.
۶۵. نجاشی، احمد بن‌علی (۱۴۱۶ ق)، *رجال النجاشي*، تحقیق موسی شبیری زنجانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۶۶. نمازی شاهرودی، علی (۱۴۱۲ ق)، *مستدرکات علم رجال الحدیث*، بی‌جا، بی‌نا.
۶۷. نیسابوری، ابن‌خزیمه محمد بن‌اسحاق (بی‌تا)، *صحیح ابن‌خزیمه*،تحقیق محمد مصطفی الأعظمی، بیروت، المکتب الإسلامی.
۶۸. هدایت‌پناه، محمدرضا (۱۳۸۹)، *بازتاب تفکر عثماني در واقعه کربلا*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

مقاله ها

۶۹. داداش‌نژاد، منصور (تابستان ۱۳۸۶)، «تاریخ‌نگاری شیعیان در سده‌های نخستین»، *نامه تاریخ‌پژوهان*، ش ۱۰.
۷۰. حسینی جلالی، محمدرضا (۱۴۰۹ ق)، «التسمیات طلیعه المؤلفات فی الحضارة الاسلامیه»، *تراثنا*، ش ۱۵، سال چهارم.
۷۱. طباطبایی، عبدالعزیز (رجب ۱۴۱۰)، «اهل‌البیت فی المکتبه العربیه»، *تراثنا*، ش ۲۰، سال پنجم.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.4.7.1]